

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال ششم، شماره‌ی بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۶۹-۱۴۱

بازخوانی روایت تشکیل کمیسیون پنج نفره مجلس در واکنش به اولتیماتوم ۱۹۱۱ روسیه به ایران

علی‌رضا ملائی توانی*

چکیده

مجلس دوم در واپسین روزهای حیات خود، دستخوش بحران بزرگ اولتیماتوم ۱۹۱۱ روسیه به ایران شد، که سرانجام به عمر این مجلس خاتمه داد. به‌رغم مباحث گوناگونی که تاکنون پیرامون اولتیماتوم روسیه درگرفته است؛ هنوز برخی از ابعاد آن رخ‌داد، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و همین ابهام‌ها موجب بروز یک رشته خطاهای آشکار شده است. یکی از این ابهام‌ها، طرح این ادعاست که مجلس در واپسین لحظات انقضای فرصت اولتیماتوم یک کمیسیون پنج نفره تشکیل داد تا با اختیارات تام، دولت را در حل و فصل موضوع اولتیماتوم و تدارک پاسخ مقتضی به آن یاری دهد. حال آن‌که نه در مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی و نه در روزنامه مجلس، هیچ سخنی از معرفی اعضای این کمیسیون و تشکیل جلسه‌ها و نیز تصمیم‌های آن به میان نیامده است. مقاله حاضر برای پاسخ گفتن به این مسأله، با رویکرد توصیفی - تبیینی می‌کوشد ضمن بررسی تناقض‌ها و ابهام‌های جاری در اکثریت قریب به اتفاق روایت‌های تاریخی موجود و مرتبط با تشکیل کمیسیون، به بازخوانی برخی از ابعاد این رخ‌داد مهم بپردازد و از یک روایت معقول‌تر دفاع کند.

واژه‌های کلیدی: اولتیماتوم، مجلس دوم، روایت‌های کمیسیون پنج نفره، انحلال مجلس.

* دانشیار پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (mollai.net@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۰۵ تاریخ تایید: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰

مقدمه

دولت روسیه روز چهارشنبه ۷ آذر ۱۲۹۰، در اولتیماتومی شدید از ایران خواست: ۱. فوراً به خدمت شوستر و لکفر^۱ پایان دهد. ۲. از این پس بدون رضایت روس و انگلیس از هیچ دولت خارجی مستشار استخدام نکند. ۳. مخارج قشون‌کشی روسیه به خاک ایران را پرداخت کند. ۴. روسیه در اجرای اولتیماتوم مزبور بیش از ۴۸ ساعت صبر نخواهد کرد و اگر ظرف این مدت پاسخ رضایت‌بخشی دریافت نشود، نیروهای روسیه به سوی تهران خواهند تاخت؛ در این صورت، بدیهی است که موضوع غرامت ایران به روسیه افزایش خواهد یافت.^۲

انتشار خبر اولتیماتوم، مردم ایران را به هیجان آورد و خشم و نفرت نسبت به روسیه را تا بالاترین حد افزایش داد؛ چون اساس کشور با خطر مواجه شده بود. مجلس، مطبوعات، فعالان و جریان‌های سیاسی با کنار نهادن اختلاف‌ها به مقاومت پرداختند. در تهران، جمعی از مردم با شعار «یا مرگ یا استقلال» سیاست‌های مداخله‌جویانه‌ی روسیه را محکوم کردند. مردم شهرهای دیگر نیز به خروش آمدند. کالاهای روسی و انگلیسی تحریم و چندین تجمع اعتراض‌آمیز برپا شد. علمای عتبات به ویژه مازندرانی و آخوند خراسانی ضمن اعلان جهاد علیه روسیه، راه ایران را در پیش گرفتند، که با مرگ آخوند خراسانی در ۲۱ آذر این سفر ناکام ماند.

در چنین فضائی، مجلس با برگزاری نشست‌های طولانی خواهان مقاومت در برابر روسیه و رد اولتیماتوم بود. در نتیجه، نمایندگان اعتدالی که اکثریت مجلس را در دست داشتند از همراهی با دولت بیمناک شدند. این امر ناصرالملک و دولت صمصام‌السلطنه را در وضعیت دشواری قرار داد. روزها گذشت و مجلس با مخالفت‌خوانی و شعار

۱. لکفر از سوی شوستر، مأمور تفتیش و نظارت مالیه تبریز بود که هم زبان فارسی می‌دانست و هم مدت‌ها در تبریز زندگی کرده بود.

۲. احمد کسروی (۱۳۷۱)، *تاریخ هیجده ساله آذربایجان*، تهران: امیرکبیر، ص ۲۳۷-۲۳۶؛ مورگان شوستر (۱۳۴۴)، *اختناق ایران*، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، به‌کوشش فرامرز برزگر و اسمعیل رائین، تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علی‌شاه، ص ۲۱۳-۲۱۲؛ پیتر آوری (۱۳۷۹)، *تاریخ معاصر ایران از تاسیس تا انقراض سلسله قاجاریه*، ج ۱، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطائی، ص ۳۰۶.

بازخوانی روایت تشکیل کمیسیون پنج نفره مجلس در واکنش به اولتیماتوم ... ۱۴۳

وطن خواهی، دولت را نزد افکار عمومی بی اعتبار ساخت. عرصه چنان تنگ شد که حتی برخی از وزیران، از کار کنار کشیدند.^۱ زیرا مخالفان اولتیماتوم، مورگان شوستر را نه یک فرد عادی بلکه نماد میهن پرستی و نشانه‌ی بغض‌ها و کینه‌ها و انزجارهای ملی از بیگانگان می‌شمردند.^۲

دولت روسیه که هرگز انتظار چنین واکنش سرسختانه‌ای را نداشت، لحن خود را اندکی تعدیل کرد؛ زیرا رد قاطعانه اولتیماتوم - که در نشست اضطراری مجلس در روز جمعه ۹ آذر رخ داد - با پشتیبانی همه جانبه‌ی ملت ایران همراه شد؛ در نتیجه، دولت روسیه را واداشت تا دست کم دو هفته هیچ اولتیماتوم تازه‌ای به ایران ندهد. شاید آنچه طرح اولتیماتوم تازه را منتفی می‌کرد، بی‌اعتمادی مجلس به دولت بود؛ زیرا روز ۹ آذر، مجلس، دولت را مکلف کرد تا بار دیگر با روسیه برای تغییر و تعدیل شرایط اولتیماتوم مذاکره کند. دولت ایران بر سر یک دوراهی دشوار قرار گرفت؛ از یک سو، مورد بی‌اعتمادی مجلس واقع شد که به لحاظ قانونی می‌بایست از کار کنار بگیرد. از سوی دیگر، مجلس حاضر به سازش و قبول شرایط اولتیماتوم نبود. لذا دولت براساس منطق نظام پارلمانی، استعفا داد اما با میانجیگری نایب‌السلطنه (ناصرالملک) و تشکیل کمیته‌ای از نمایندگان مجلس به رهبری رئیس مجلس (موتمن‌الملک)، مجدداً رأی اعتماد گرفت و به ادامه کار واداشته شد. طبیعی بود که روسیه در این فاصله - که کشور در بحرانی عمیق غوطه‌ور بود - نمی‌توانست اولتیماتوم تازه‌ای بدهد؛ زیرا ممکن بود اوضاع پیچیده‌تر شود و با استعفای دولت، هیچ مقام مسئولی نتواند به اولتیماتوم روسیه پاسخ دهد.^۳

هرچند روسیه دولت بسیار نیرومندی بود و اگر اراده می‌کرد، می‌توانست هرآیینی ایران را اشغال کند؛ اما روشن است که اشغال ایران پیامدهای زیانباری برای آن کشور داشت؛

۱. یحیی دولت‌آبادی (۱۳۶۳)، حیات یحیی، ج ۳، تهران: عطار و فردوسی، ص ۵۲.

۲. محمود افشار یزدی (۱۳۵۸)، سیاست اروپا در ایران، ترجمه ضیاءالدین دهشیری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ص ۱۴۴-۱۴۳.

۳. فیروز کاظم‌زاده (۱۳۷۱)، روس و انگلیس در ایران ۱۸۱۴-۱۹۱۴ پژوهشی در باره امپریالیسم، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انقلاب اسلامی، ص ۶۰۱.

زیرا هم موقعیت خطیر بین‌المللی آن کشور را در بلوک‌بندی‌های منتهی به جنگ جهانی اول به مخاطره می‌انداخت و هم واکنش انگلیس و کشورهای دیگر را بر می‌انگیخت؛ چون روسیه هرگز نمی‌خواست به این کار بسیار پرهزینه تن دهد، کوشید تا از راه‌های بسیار کم هزینه‌تر یعنی فشارهای سیاسی دولت ایران را به پذیرش اولتیماتوم وادارد. گذشته از این، روسیه با این روش، قصد داشت فرصت تازه‌ای در اختیار دولت ایران و شخص نایب‌السلطنه بگذارد تا بتوانند با اعمال نفوذ و رایزنی‌های سیاسی مجلس را وادار به پذیرش اولتیماتوم کنند. گو این‌که دولت ایران به روسیه تعهد سپرده بود که یا موافقت مجلس را جلب و یا آن را منحل می‌کند.^۱

در این فاصله مجلس هم عملاً هیچ جلسه‌ای تشکیل نداد و تنها پس از شنیدن خبر درگذشت آخوند خراسانی - که قصد داشت از نجف روانه تهران شود - روز پنج‌شنبه ۲۱ آذر جلسه‌ای برگزار کرد؛ اما در این نشست موضوع اولتیماتوم طرح نشد.^۲ در چنین فضائی، دولت روسیه دریافت که اگر موضوع اولتیماتوم بلا تکلیف بماند، نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد. لذا در پی اعتماد نایب‌السلطنه و رئیس مجلس به دولت صمصام‌السلطنه، اولتیماتوم شش روزه‌ی دیگری در روز ۲۴ آذر به ایران داد. این اولتیماتوم شش روزه، دولت را واداشت تا موضوع را بار دیگر با مجلس در میان بگذارد. در این شش روز، مجلس کوتاه نیامد و همچنان بر طبل مخالفت کوبید. انتشار اخبار خونریزی‌ها و بی‌رحمی‌های روس‌ها در تبریز، رشت و انزلی و ایجاد وحشت در محافل تهران از یک سو و اتمام حجت دولت به مجلس مبنی بر پذیرش اولتیماتوم از سوی دیگر، سبب شد مهلت مقرر انقضا یابد. مجلس در آخرین نشست خود در روز ۲۹ آذر ۱۲۹۰ که تا نیمه‌های شب ادامه داشت، ناگزیر تصمیم گرفت کمیته‌ای پنج نفره از میان خود برگزیند و اختیارات تصمیم‌گیری را به آن واگذار کند تا دولت را در رسیدن به توافق با روسیه یاری دهد.

مسأله‌ی اصلی این مقاله، بر سر تشکیل یا عدم تشکیل این کمیسیون است. به عبارت دیگر، پرسش اصلی این است که آیا کمیسیون پنج نفره تشکیل شد یا نشد؟ اگر تشکیل شد

۱. تاریخ هیجده ساله آذربایجان، ص ۴۷۹.

۲. همان، ص ۴۹۹-۵۰۰.

بازخوانی روایت تشکیل کمیسیون پنج نفره مجلس در واکنش به اولتیماتوم ... ۱۴۵

چرا در صورت مذاکرات مجلس و نیز روزنامه مجلس - که رویدادهای پارلمان را منعکس می کرد - هیچ سخنی از انتخاب اعضای کمیسیون و تصمیم های آن در میان نیست؟ اگر تشکیل نشد چرا در خاطرات نمایندگان آن دوره مجلس و برخی از منابع اصلی، از آن سخن رفته است؟ بنابراین، با توجه به تناقض موجود، این موضوع را چگونه باید تفسیر، تحلیل و تبیین نمود؟ آیا تشکیل کمیسیون را باید یک توهم بدانیم یا یک واقعیت؟

با عنایت به آن چه گفته شد، مساله مزبور تاکنون به صورت مستقل، مورد بررسی قرار نگرفته است؛ اما در پژوهش های موجود، برداشت های متفاوتی نسبت به آن صورت گرفته است، که در ادامه مقاله پیرامون آن سخن خواهیم گفت. از همین رو، مقاله حاضر با بررسی اکثریت قریب به اتفاق روایت های موجود و در دسترس - و بدون قضاوت پیشینی و نگاه گزینشی - می کوشد ابتدا مهم ترین ابهام های موجود پیرامون موضوع کمیسیون پنج نفره را شناسائی و تبیین کند و سپس با نقد و ارزیابی اغلب روایت های موجود و تشکیک در آن ها، از طرح روایت های جایگزین دفاع کند.

کمیسیون پنج نفره در منابع اصلی و خاطره نگاشته ها

به طور کلی مجموعه روایت هایی که پیرامون کمیسیون پنج نفره تدوین شده اند، به گروه های زیر قابل تقسیم بندی هستند: نخست، تاریخ نگاران انقلاب مانند احمد کسروی، مهدی ملک زاده، ادیب هروی، و حسن حلاج. این گروه سال ها پس از وقوع انقلاب با استفاده از اسناد و مدارک و نیز خاطرات خود به تدوین روایت کمیسیون پنج نفره پرداختند.

به نوشته ی کسروی، مجلس دوم به رغم مقاومت اولیه اش در برابر اولتیماتوم، سرانجام با فشار یفرم خان و مجاهدان مشروطه وادار شد بر سر پذیرش اولتیماتوم با دولت همدستان شود، چنان که با ۳۹ رأی در برابر ۱۹ رأی کمیته ای پنج نفره را برگزید و رشته ی امور را به آن سپرد تا به همدستی دولت، با روسیه کنار آید، اما این کمیته تشکیل نشد. زیرا هیچ یک از دموکرات ها عضویت در آن را نپذیرفتند؛ ولی شب ۲۹ آذر در پی تهاجم روس ها به تبریز، رشت و انزلی و خونریزی آن ها، وحشت در تهران افزایش یافت و

آزادی خواهان را به سستی گرایش داد. لذا در همان روز که آخرین جلسه‌ی مجلس برپا شد، ۵ تن برگزیده شدند که یکی از آن‌ها سردار اسعد و دیگری شیخ ابراهیم زنجانی بود. این پنج نفر شبانه گرد آمدند و رأی به پذیرش اولتیماتوم دادند و آن را به اطلاع سفارت رساندند.^۱

به نوشته‌ی مهدی ملک‌زاده، ورود سردار اسعد از اروپا به ایران - که در پی جراحی چشم وی صورت گرفت - و هواداری او از پذیرش اولتیماتوم باعث تقویت موضع نمایندگان هوادار دولت و نایب‌السلطنه شد. در نتیجه با نقش آفرینی سردار، جمعی از نمایندگان مجلس به پشتیبانی از سیاست دولت برخاستند و با نفوذ سردار اسعد، کمیسیون پنج نفره مرکب از نمایندگان مجلس برای همکاری با دولت و حل موضوع اولتیماتوم انتخاب شدند. خود او هم از منتخبین کمیسیون مزبور بود که سرانجام به پذیرش اولتیماتوم تن دادند.^۲

ادیب هروی نیز از تشکیل کمیسیون پنج نفره سخن گفته؛ اما هیچ گزارشی از ترکیب این کمیته به دست نداده است.^۳ حسن حلاج در کتابی که در ۱۳۱۲ انتشار داد، ادعا کرده است که براساس دستور مخفی دولت، این هیأت پنج نفره افزون بر پذیرش اولتیماتوم، با اکثریت آراء، رأی به انحلال مجلس ملی هم دادند.^۴

دوم، اسناد و منابع خارجی مانند کتاب *آبی*، کتاب *نارنجی و خاطرات شوستر*. در کتاب *نارنجی* هیچ گزارشی از این رخداد به چشم نمی‌خورد؛ اما در کتاب *آبی* این موضوع به تفصیل بحث شده است که در گفتار بعدی به آن خواهیم پرداخت. شوستر که سال‌ها بعد با استفاده از خاطرات شخصی و منابع دیگر، کوشید کتابی تازه پیرامون حوادث سال‌های حضورش در ایران تدوین کند، این داستان را به گونه‌ای مبهم طرح کرد و از یک گروه هفت نفره سخن گفت. به نوشته‌ی او، پس از آن که ژاندارم‌ها و بختیاری‌ها، نمایندگان

۱. همان، ص ۴۸۱-۴۸۰.

۲. مهدی ملک‌زاده (۱۳۷۱)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: علمی*، ج ۷-۶، ص ۱۴۷۳-۱۴۷۲.

۳. محمد حسن ادیب هروی (۱۳۳۱)، *تاریخ پیدایش مشروطیت ایران*، مشهد: خراسان، ص ۲۷۴.

۴. حسن مدیرحلاج (۱۳۱۲)، *تاریخ نهضت ایران، تهران: سلیمی*، ص ۶۹.

بازخوانی روایت تشکیل کمیسیون پنج نفره مجلس در واکنش به اولتیماتوم ... ۱۴۷

مجلس را از محل کار خود اخراج و درب‌های مجلس را قفل کردند، آن گروه هفت نفره که از پیش خود و به‌طور دلخواه تشکیل شده بود به آن امر خوفناک اقدام کردند.^۱ (احتمالاً منظور پذیرش اولتیماتوم است).

سوم، از گروه فعالان سیاسی عصر مشروطه، یحیی دولت‌آبادی،^۲ ملک‌الشعراء بهار^۳ و عبدالله مستوفی در آثار خود از تشکیل کمیته‌ی مختلط مجلس و دولت سخن نگفته‌اند، اما مستوفی معتقد است روسیه برحسب تصادف یا عمد، تاریخ ضرب‌الاجل را به گونه‌ای تنظیم کرده بود که با تعطیل مجلس تطبیق می‌کرد.^۴ عین‌السلطنه سالور در خاطرات خود هیچ اشاره‌ی مستقیمی به تشکیل کمیسیون پنج نفره نکرده است؛ اما در دو نامه‌ای که از عمادالسلطنه و افخم‌الدوله نقل کرده به تشکیل کمیسیون اشاره شده است.^۵ مخبرالسلطنه هدایت هم از تشکیل کمیسیون پنج نفره سخن گفته، اما هیچ گزارشی از ترکیب این کمیته به دست نداده است.^۶

چهارم، نمایندگان اعتدالی مجلس مانند تهرانی کاتوزیان (نماینده دوره‌ی اول و پنجم) و علی محمد دولت‌آبادی (نماینده دوره‌ی دوم). تهرانی کاتوزیان در گزارش نسبتاً طولانی خود، اشخاص منتخب را به قرار زیر معرفی کرده است: سردار اسعد از بی‌طرف‌ها؛ شیخ ابراهیم زنجانی از دموکرات‌ها، فهیم‌الملک از بی‌طرف‌های هوادار اعتدال؛ سیدحسن مدرس از علمای بی‌طرف طراز اول مجلس؛ سعیدالاطبا از اعتدالی‌ها. به نوشته‌ی او نمایندگان عضو کمیسیون بی‌درنگ مذاکرات خود را از سرگرفتند.^۷

۱. اختناق/ایران، ص ۲۴۲.

۲. حیات یحیی، ج ۳، ص ۱۹۷.

۳. محمدتقی بهار (۱۳۵۷)، تاریخ احزاب سیاسی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.

۴. عبدالله مستوفی (۱۳۷۱)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران: زوار، ص ۳۶۱.

۵. قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۷)، خاطرات عین‌السلطنه، ج ۵، به‌کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر، ص ۳۶۳۴، ۳۶۲۷.

۶. مهدی‌قلی هدایت (۱۳۶۲)، طلوع مشروطیت، به‌کوشش امیر اسماعیلی، تهران: جام، ص ۱۵۸؛ مهدی‌قلی هدایت (۱۳۶۳)، گزارش ایران: قاجاریه و مشروطیت، تهران: نقره، ص ۲۸۸.

۷. محمدعلی تهرانی کاتوزیان (۱۳۷۹)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، با مقدمه ناصرکاتوزیان، تهران: انتشار، ص ۸۵۵-۸۵۳.

علی محمد دولت آبادی هم معتقد است، مجلس در ۲۸ ذیحجه / ۲۸ دی ۱۲۹۰، کمیسیون پنج نفره‌ای مرکب از سردار اسعد، سید حسن مدرس، شیخ ابراهیم زنجانی، خلیل فهیم‌الملک و دکتر سعیدالاطبا را برگزید تا با وزیران درباره‌ی اولتیماتوم تشکیل جلسه دهند. ولی زنجانی و فهیم‌الملک و سعیدالاطبا استعفا دادند و جرأت شرکت در جلسه را نداشتند. لذا در روز مقرر یعنی پنج‌شنبه ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۹ / ۲۹ دی ۱۲۹۰، کمیسیون تشکیل نشد.^۱ اما همان روز عصر خبر موحش تهاجم روس‌ها به تبریز نگرانی‌ها را به اوج رساند. در نتیجه، کمیسیون مشورتی روز جمعه ۳۰ ذیحجه در منزل نایب‌السلطنه و پس از مذاکرات فراوان، به ترتیبی که وزیر خارجه پیشنهاد کرده بود اولتیماتوم را پذیرفت و همان شب به‌طور شفاهی پاسخ پذیرش اولتیماتوم به سفارت روسیه داده شد و فردا مراسله رسمی آن ابلاغ شد.^۲

پنجم، نمایندگان دموکرات مجلس، مانند عزالمالک اردلان و دهخوارقانی که دیدگاه‌های مغایر با تشکیل کمیسیون در مجلس داشتند. عزالمالک اردلان از نمایندگان دموکرات و مخالفان سرسخت اولتیماتوم، می‌نویسد، همان شب که مجلس، اولتیماتوم را رد کرد ناصرالملک چند تن از نمایندگان مجلس از جمله صادق طباطبائی، سلیمان میرزا، شیخ ابراهیم زنجانی، تیمورتاش و من را نزد خود فراخواند و موضوع واکنش مجلس را با عصبانیت مطرح کرد. هریک از نمایندگان حاضر در رد اولتیماتوم سخنانی گفتند. ناصرالملک که قانع نشده بود، گفت، پس، با این حساب باید با روسیه جنگ کنیم؟ اردلان گفت دولت پیشنهاد قبول اولتیماتوم را داده و مجلس آن را رد کرده است پس دولت باید استعفا کند و دولت دیگری تشکیل شود. ناصرالملک که خود را در تنگنا یافت، گفت خودم راساً در مجلس با نمایندگان سخن خواهم گفت. حتی دستور داد کالسکه او را حاضر کنند. مجلس به انتظار او نشست ولی او از آمدن انصراف داد و هیأت دولت را به مجلس فرستاد. وزیر خارجه در پله‌های مجلس پرسید، واقعاً می‌خواهید دولت را ساقط کنید؟ گفتیم چه

۱. همان، ص ۴۲.

۲. همان، ص ۴۵.

بازخوانی روایت تشکیل کمیسیون پنج نفره مجلس در واکنش به اولتیماتوم ... ۱۴۹

اشکالی دارد!^۱ دولت پیشنهاد داد کمیسیونی تشکیل شود تا به کمک دولت، اولتیماتوم را رد کند، مجلس هم تصویب کرد. صبح روز بعد که به مجلس آمدم، نظامی‌ها مجلس را اشغال کرده بودند و دولت، مجلس را منحل کرده بود و نمایندگان با تأثر از مجلس خارج شدند. روایت اردلان یک روایت شاذ است؛ زیرا به نوشته‌ی او فلسفه‌ی تشکیل کمیسیون پنج نفره، پاسخ رد دادن به اولتیماتوم بود که از نگاه او این کمیسیون هرگز تشکیل نشد.^۲ خاطرات و تحلیل‌های دهخوارقانی به علت اهمیتش در گفتار بعدی به تفصیل نوشته خواهد شد.

ششم، روزنامه‌های کشور که به‌طور عمده، به دو دسته‌ی هوادار اعتدالیون و دموکرات‌ها تقسیم می‌شدند. روزنامه‌ی مجلس به عنوان هوادار جریان اعتدالی مجلس و بازتاب‌دهنده‌ی روایت صمصام‌السلطنه و ناصرالملک در ترویج روایت مغشوش و نادرست از کمیسیون نقش داشت. روزنامه‌ی مجلس با انعکاس عریضه‌ی کابینه‌ی صمصام‌السلطنه به ناصرالملک، که در آن خبر تشکیل کمیسیون توسط مجلس تأیید شده بود، این راه را هموار ساخت. در این عریضه، ضمن انتقاد از کارشکنی‌های دموکرات‌ها و تشریح مواضع دولت به‌ویژه حضور وزیران کابینه در نشست‌های مجلس ادعا شده بود، هنگامی که به مجلس پیشنهاد شد یا کابینه دیگری انتخاب کنید یا به همین کابینه اعتماد نمایید و یا یک کمیسیون تشکیل دهید تا با اختیارات تام طرف مشورت دولت باشد، مجلس هیچ کدام را نپذیرفت تا آن‌که یک روز مانده به حرکت قشون روسیه، در یک جلسه‌ی خصوصی برای کمیسیون رأی گرفت. در این رأی‌گیری، ۴۷ نفر موافقت کردند؛ اما در جلسه علنی که نیم ساعت بعد برگزار شد ۳۳ نفر موافقت کردند. پس از تعیین اعضای کمیسیون، نمایندگان عضو کمیسیون حاضر به کار نبودند. یعنی غیر از آقای مدرس بقیه همه استعفا کردند تا آن که قضیه جنگ تبریز و رشت و انزلی پیش آمد آن وقت با اضطراب، کمیسیون منعقد شد و اولتیماتوم تصویب شد. اما آن فواید که در قبول زودهنگام اولتیماتوم بود از دست رفت؛

۱. امان‌الله اردلان (۱۳۷۲)، *خاطرات حاج عزالمالک اردلان: زندگانی در دوران شش پادشاه*، به‌کوشش باقر عاقلی، تهران: نامک، ص ۶۲.

۲. همان، ص ۶۳.

زیرا نیم ساعت قبل از انقضای وقت آن را پذیرفتند.^۱

درحالی که روزنامه‌های مستقل و هوادار دموکرات‌ها نه تنها خبر تشکیل کمیسیون را اساساً انتشار ندادند، بلکه تأکید کردند که کابینه‌ی صمصام‌السلطنه و ناصرالمک‌نایب-السلطنه برای پذیرش شرایط اولتیماتوم، مجلس را منحل کردند تا بتوانند با سفارت روسیه توافق کنند. در این روزنامه‌ها به‌طور عمده، بر نقش سردار اسعد در زمینه‌چینی پذیرش اولتیماتوم تأکید شده است.^۲ به نوشته‌ی حبل‌المتین، سردار اسعد در پاریس با سفیران روس و انگلیس دیدار کرد و هنگامی که مجلس سرسختی نشان داد و نزدیک بود کار به مناقشه بکشد فوراً عازم ایران شد و در مذاکره با دولت، بر پذیرش اولتیماتوم پافشاری کرد. دولت نگران سه مساله بود: نخست، هیجان روحانیت، دوم، عدم اطاعت آزادی‌خواهان تهران، آذربایجان و گیلان، سوم، ادامه‌ی مخالفت مجلس. با مشاوره‌ی دو دولت، مجلس منحل شد، نیروهای روسی در رشت و انزلی و تبریز افزایش یافتند و با کشتار مردم موجبات ترس آزادی‌خواهان فراهم آمد. خطر روحانیت نیز با مکاتبات و طرح یک، رشته وعده‌ها پایان گرفت. اما خبر انحلال مجلس برای جلوگیری از بروز بحران، به ولایات منعکس نشد و سپس وعده‌ی فوری برگزاری انتخابات جدید مطرح شد و بدین ترتیب دولت موضوع را فیصله داد.^۳

تداوم خطای تشکیل کمیسیون در برخی از پژوهش‌های جدید

استمرار خطاهای مربوط به روایت تشکیل کمیسیون پنج نفره در پژوهش‌های جدید، امری نگران‌کننده است که باید نسبت به آن حساس بود. البته این خطاها به منزله‌ی هم‌سنگ نشان دادن این آثار با منابع اصلی نیست، بلکه یک هشدار به مشی پژوهشی غیرانتقادی در تاریخ‌نگاری معاصر است، که یک امر غیرواقع را به حقیقت تبدیل کرده است. بدیهی است

۱. روزنامه مجلس، ۶ محرم ۱۳۳۰، ص ۳-۴.

۲. روزنامه‌ی چهارنما، ۱۵ محرم ۱۳۳۰، ص ۱۵؛ روزنامه‌ی جبل‌المتین، ۱۷ محرم ۱۳۳۰، ص ۲۱، ۳-۴.

۳. روزنامه‌ی جبل‌المتین، ۱۷ محرم ۱۳۳۰، ص ۳-۴؛ روزنامه‌ی جبل‌المتین ۲ صفر ۱۳۳۰، ص ۳؛ روزنامه‌ی چهارنما، ۱۵ محرم ۱۳۳۰، ص ۹.

که در این فرصت اندک، مجال پردازش و ارزیابی همه‌ی پژوهش‌های موجود فراهم نیست، از همین رو تنها به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهد شد.

حسین مکی،^۱ اسماعیل رائین،^۲ و عبدالحسین نوائی^۳ با استفاده از روایت کسروی به تأیید این موضوع پرداخته‌اند. سهراب یزدانی نیز به استناد منابع آن دوره می‌نویسد، نمایندگان در همان شب بیست و هفتم آذر، درحالی‌که لوله تفنگ بر شقیقه‌شان قرار داشت، اعضای کمیته پنج نفره را انتخاب کردند. سردار اسعد عضو آن هیئت بود و آن را به سمتی هدایت کرد که سیاست مدارا را در پیش گیرد.^۴

در میان پژوهشگران خارجی، ژانت آفاری هم بر تشکیل کمیسیون پنج نفره صحنه گذاشته است. او معتقد است در غروب ۲۷ آذر، هنگامی که خبر اشغال رشت، تبریز و خراسان به مجلس رسید و نیروهای روسیه تنها چند ساعت با پایتخت فاصله داشتند، مجلس هیأت ۵ نفره‌ای به ریاست سردار اسعد تشکیل داد؛ اما این امر به اتفاق آرا نبود و تنها شیخ ابراهیم زنجانی از دموکراتها، به تشکیل این کمیسیون رأی داد. هیأت مزبور بلافاصله کار با کابینه را شروع کرد و همان روز خبر پذیرش به سفارت روسیه اولتیماتوم را داد.^۵

به نوشته‌ی رامین یلفانی، مجلس ابتدا کوشید اعضای هیأت کمیسیون را انتخاب کند؛ اما موقع انتخاب اعضا، اختلاف درگرفت و مجلس موفق به این کار نشد. نمایندگان پیشنهادی عبارت بودند از مدرس، شیخ ابراهیم زنجانی، دهخوارقانی، اعضای کمیسیون شب نزد ناصرالملک رفتند. او گفت تنها ۴۵ دقیقه تا پایان وقت اولتیماتوم باقی است، بعد از آن سپاه روسیه به تهران خواهد تاخت. مدرس گفت اگر شما مصلحت را در قبول

۱. حسین مکی (۱۳۵۸)، *مدرس قهرمان آزادی*، ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۰۳.

۲. اسماعیل رائین (۱۳۵۰)، *بیرم‌خان سردار*، تهران: زرین، ص ۳۸۱.

۳. عبدالحسین نوائی (۱۳۵۵)، *دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم*، تهران: بابک، ص ۲۸۸-۲۸۷.

۴. سهراب یزدانی (۱۳۸۸)، *مجاهدان مشروطه*، تهران: نی، ص ۲۷۵.

۵. ژانت آفاری (۱۳۷۹)، *انقلاب مشروطیت ایران ۱۹۰۶-۱۹۱۱/۱۲۸۵-۱۲۹۰*، ترجمه رضا رضائی، تهران: بیستون، ص ۴۳۱.

اولتیماتوم می‌دانید ما هم می‌پذیریم تا بعداً نگوئید ملاها کشور را به باد دادند.^۱

منشا روایت کمیسیون پنج نفره و ابهام‌های آن

به نظر می‌رسد منشا اصلی جعل خبرهای مربوط به تشکیل کمیسیون پنج نفره‌ی مجلس، که به درون متن‌های خاطره‌نگارانه و روزنامه‌های آن عصر راه یافت، دستگاه ناصرالملک و صمصام‌السلطنه باشد که این خبر را در رسانه‌ها منعکس کردند و از آن پس بر سر زبان‌ها افتاد. آن‌ها با استناد به آخرین مصوبه‌ی مجلس، کوشیدند همه‌ی پیامدهای مربوط به پذیرش اولتیماتوم را به گردن مجلس بیاندازند تا خود را تبرئه کنند. روزنامه‌ی مجلس، که توسط جریان اعتدالی مجلس اداره می‌شد، نخستین بار این روایت را در قالب درخواست انحلال مجلس با امضای اعضای کابینه به ناصرالملک انتشار داد.^۲ همین روزنامه بعدها به عنوان یکی از منابع اصلی تاریخ مشروطه، مورد توجه قرار گرفت. افزون بر این نشریه، روزنامه‌های دیگری که اخبار مربوط به ایران را از رسانه‌های غربی همچون تایمز نقل می‌کردند نیز از سرمنشاهای اصلی این روایت تلقی می‌شوند؛ زیرا در آن‌ها، این روایت نقل شده بود. درکنار این روزنامه‌ها، باید از خاطرات جریان اعتدالی و هوادار ناصرالملک - که پیش‌تر از آن‌ها سخن گفتیم - یاد کرد که این خبر را با قوت انتشار دادند. کتاب آبی یا اسناد وزارت خارجه بریتانیا درباره انقلاب مشروطه ایران از دیگر منابع انتشار این خبر است. به نوشته‌ی کتاب آبی، مجلس روز ۲۰ دسامبر با اکثریت ۳۹ در مقابل ۱۹ رأی تصویب کرد که یک کمیته‌ی پنج نفری تعیین شود و به آن اختیار داده شود که با کابینه در باب فیصله‌ی امور با روسیه مشورت کند. این کمیته تعیین شد و عضو برجسته‌ی آن سردار اسعد بود. این کمیته در جلسه‌ای که روز ۲۱ دسامبر / ۲۹ آذر ۱۲۹۰، با کابینه به ریاست نایب‌السلطنه شکل داد، رضایت خود را درباره‌ی پذیرش اولتیماتوم ابراز داشت و روز ۳۰ آذر، موضوع به اطلاع سفارت روسیه رسید.^۳ نکته‌ی مهم این است،

۱. رامین یلفانی (۱۳۷۶)، زندگانی سیاسی ناصرالملک، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ص ۲۶۲.

۲. روزنامه مجلس، ۶ محرم ۱۳۳۰، ص ۳-۴.

۳. احمد بشیری (به‌کوشش) (۱۳۶۳)، کتاب آبی: گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس در باره انقلاب مشروطه ایران، ج ۵، تهران: نو، ص ۷۷، ۷۱.

بازخوانی روایت تشکیل کمیسیون پنج نفره مجلس در واکنش به اولتیماتوم ... ۱۵۳

که در این گزارش نام سایر اعضای کمیته نقل نشده است. اگر گزارش سفارت انگلیس و به دنبال آن روایت انبوهی از منابع داخلی را مبنا قرار دهیم و به درستی آن صحنه بگذاریم، قطعاً دچار تعارض خواهیم شد؛ زیرا چند تناقض مهم در متن این روایت‌ها وجود دارد: نخست، زمان تشکیل کمیسیون روشن نیست و زمان‌های طرح شده با متن مذاکرات مجلس شورای ملی سازگار نیست. دوم، ترکیب اعضای کمیسیون در منابع مختلف به صورت‌های متفاوتی نقل شده و یا اساساً در برخی آثار مسکوت مانده است. سوم، مکان تشکیل این کمیسیون روشن نیست. برخی از منزل سردار اسعد و برخی از خانه‌ی نایب‌السلطنه سخن گفته‌اند. چهارم، در برخی از روایت‌ها، از استعفای تعدادی از نمایندگان کمیسیون سخن رفته است و معلوم نیست که کمیسیون با چه ترکیبی از آراء، به پذیرش اولتیماتوم رأی داده است. پنجم، براساس صورت مذاکرات مجلس مقرر بود کمیسیون پنج نفره به‌طور مشترک با نمایندگان دولت مذاکره کنند؛ اما در گزارش‌های موجود، تنها از نمایندگان مجلس سخن رفته و هیچ رد پائی از اعضای کابینه دیده نمی‌شود، که اساساً مشکوک به نظر می‌رسد؛ زیرا همه را یکسره به گردن مجلس انداخته است.

تحلیل مواضع مجلس درباره تشکیل کمیسیون پنج نفره

درست است که مجلس به تشکیل کمیسیون پنج نفره رأی داد؛ اما هرگز اعضای آن کمیسیون را انتخاب نکرد و از آن پس منحل شد. در واپسین دقیقه‌های حیات مجلس دوم، موضوع تشکیل کمیسیون همراه با اختیارات لازم به اکثریت ۳۹ رأی از ۶۰ رأی نمایندگان حاضر تصویب شد. درباره عده‌ی اعضا کمیسیون گفت‌وگو شد از ۵ تا ۷ نفر سخن به میان آمد که همان ۵ نفر تصویب شد؛ اما در این باب که کمیسیون حق داشته باشد از خارج هم به خود منضم نمایند، رأی نیاورد. آخرین جمله‌های ثبت شده در صورت مذاکرات مجلس دوم، به شرح زیر است: «رئیس: به اکثریت تصویب شد. می‌خواهید کمیسیون را حالا معین بکنید، می‌خواهید بعد از تنفس (وزیر امور خارجه با جمعی اظهار داشتند که حالا معین کنید). رئیس، پنج دقیقه تنفس داده می‌شود بعد انتخاب می‌کنیم. (در این موقع که شش

ساعت و نیم از ساعت (شب) گذشته بود رئیس حرکت کردند و مجلس ختم شد.^۱ چنان‌که شاهدیم در صورت مذاکرات مجلس هیچ نشانی از انتخابات تعیین اعضای کمیسیون در میان نیست.^۲

روشن است با جوّی که بر مجلس حاکم بود و مذاکراتی که در چهار نشست منتهی به اولتیماتوم در صحن علنی درگرفت، حتی اگر مجلس منحل نمی‌شد نیز نمی‌توانست اعضای مورد نظر را انتخاب کند. در جامعه‌ی آن روز فضای ضد روسی، چنان قوی بود که تماشاچیان مجلس، بازرسی بدنی می‌شدند تا مبادا افراد مسلحی نمایندگان مرعوب را به قتل برسانند. در همین بازرسی‌ها، اسلحه دو نفر ضبط شد.^۳ در چنین فضایی، حتی همه‌ی نمایندگان اعتدالی که قصد استعفا داشتند تا مجلس را از اکثریت بیاندازند و دست دولت را در پذیرش اولتیماتوم باز بگذارند، زیر فشار کمیته‌های سری و افکار عمومی روز ۲۵ ذیحجه، تشکیل جلسه دادند و با صدور بیانیه‌ای نه تنها از استعفا سربلیدند بلکه خود را به نام «اجتماعیون عامیون استقلال‌یون ایران» معرفی کردند،^۴ و به همین خاطر مجلس از رسمیت نیافتاد. به گزارش تهرانی کاتوزیان، حتی اگر در نشست‌های سری مجلس رأی نمایندگان بر پذیرش برخی از اصول اولتیماتوم و تمایز قائل شدن بین پیشنهادها بود؛ اما هنگامی که به نشست عمومی می‌آمدند جرأت نداشتند از قبول اولتیماتوم سخن بگویند.^۵

از فحوای سخنان و مواضع نمایندگان مجلس، چنین بر می‌آید که مجلس هرگز قصد نداشت اولتیماتوم را بپذیرد و با وجود این‌که زیر فشارهای خاص به تشکیل کمیسیون پنج نفره رأی داد؛ اما روشن بود که می‌کوشید با طولانی کردن مذاکرات از وصول به نتیجه در تعیین اعضای کمیسیون خودداری ورزد تا بتواند در این فضای پرتهاپ، به یک گریزگاه دست یابد و از منافع ملی دفاع کند. چنان‌که یحیی دولت‌آبادی به درستی گفته است، امکان نداشت این مجلس، پاسخ مثبتی به روسیه بدهد.^۶ به تعبیر پیترو آوری، مجلس در

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره‌ی دوم، جلسه ۳۳۲، ص ۴.

۲. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۸۵۳.

۳. همان، ص ۸۵۳.

۴. همان، ص ۸۵۱-۸۵۰، ۸۴۷.

۵. حیات یحیی، ج ۳، ص ۱۹۷.

بازخوانی روایت تشکیل کمیسیون پنج نفره مجلس در واکنش به اولتیماتوم ... ۱۵۵

عزم خود مبنی بر رد اولتیماتوم راسخ بود. از همین رو، کابینه به لحاظ حقوقی و قانونی می‌بایست سقوط می‌کرد؛ اما کابینه در اقدامی پیش‌دستانه به کودتا دست یازید و مجلس را با سرباز و تفنگچی تصرف کرد.^۱

شاید با استناد به رأی‌گیری مجلس در باره تشکیل کمیسیون پنج نفره، بتوان از بروز شکاف در صف حزب دموکرات سخن گفت، زیرا بخشی از آنها آمادگی داشتند تا کمیسیون مزبور تشکیل شود؛ اما آنان هرگز نمی‌خواستند به پذیرش اولتیماتوم تن دهند. اکثریت نمایندگان مجلس، اعتمادی به دولت و نایب‌السلطنه نداشتند. از این رو، حاضر بودند حتی دولت را تا مرحله‌ی استعفای کامل پیش ببرند و عملاً قوه‌ی اجرائیه را از کار بیاندازند تا دولت روسیه نتواند همتائی برای مذاکرات و تحمیل شرایط خود داشته باشد و ناگزیر تا تشکیل کابینه بعدی و رأی اعتماد به آن‌ها صبر کند و یا برخی از شرایط اولتیماتوم را تعدیل نماید. البته نمایندگان می‌دانستند که استعفای دولت نه ممکن بود و نه مطلوب؛ زیرا هیچ‌یک از نخبگان سیاسی در آن شرایط حاضر به پذیرش مسئولیت نبودند. چنان‌که خود نایب‌السلطنه قصد داشت کشور را ترک کند. بدیهی است که در این فضا، یک طرف مناقشه باید قربانی می‌شد و آن قربانی مجلس بود.

درست است که مواضع مجلس (در رد اولتیماتوم) تدریجانه و آرمان‌گرایانه بود و در تعارض با نگرش‌های واقع‌بینانه دولت (در پذیرش اولتیماتوم) قرار داشت؛ اما از همین موضع، مجلس می‌توانست موجب بسیج مخالفان و واداشتن دولت به مقاومت شود تا در مواضع روسیه تغییراتی به سود کشور ایجاد کند؛ اما دولت صمصام‌السلطنه و ناصرالملک نایب‌السلطنه هرگز آماده پذیرش چنین خطری نبودند و با خواسته‌ی مجلس همراه نمی‌شدند. حتی اگر مجلس در شرایط اضطرار به پذیرش اولتیماتوم تن می‌داد؛ مسلم است که مانند نایب‌السلطنه و صمصام‌السلطنه حاضر به پذیرش همه شرایط اولتیماتوم نبود.

با توجه به مواضع مجلس، نه سپهدار تنکابنی و نه سردار اسعد یار هم‌رزم او در فتح تهران، تمایلی به ادامه کار مجلس نداشتند.^۲ بختیاری‌ها به طور کلی هم از عملکرد شوستر

۱. تاریخ معاصر ایران از تاسیس تا انقراض سلسله قاجاریه، ج ۱، ص ۳۰۳.

۲. محمدولی خان تنکابنی (۱۳۷۷)، یادداشت‌های محمدولی خان تنکابنی (سپهسالار اعظم)، به تصحیح اللهیار خلعتیری و فضل‌الله ایرجی کجوری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ص ۷۸.

و هم از عملکرد مجلس دوم گله‌مند بودند. هم صمصام‌السلطنه و هم سردار اسعد نه تنها حاضر به قبول اولتیماتوم بودند؛ بلکه در دیدار با نمایندگان سفارت روسیه به صراحت اعلام کردند که حاضرند برای رهائی از شر شوستر و مجلس دوم، دست به کودتا بزنند و دولتی موافق روس و انگلیس شکل دهند و یکی از خوانین بختیاری را به نیابت سلطنت برگزینند.^۱

تفسیر مساله تناقض در موضوع انتخاب اعضای کمیسیون پنج نفره و انتخاب روایت جایگزین

تاکنون تفسیر رضایت‌بخشی از مساله‌ی انتخاب اعضای کمیسیون و ترکیب آن صورت نگرفته است. از همین رو، نگارنده می‌کوشد، ضمن طرح تفسیرهای موجود، روایت مورد قبول خود را به عنوان روایت جایگزین مطرح کند. در میان پژوهندگان تاریخ معاصر، حسین مکی با استناد به اصل مذاکرات مجلس، در مقدمه کتاب *مدرس می‌نویسد: مجلس* در جلسه‌ی ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۹ / ۲۹ دی ۱۲۹۰، موفق به انتخاب اعضای کمیسیون نشد. مقرر شد در جلسه‌ی بعد، اعضای کمیسیون انتخاب شوند و مجلس هم به همین منظور تشکیل جلسه داد، اما چون مطابق میل دولت نبود، روز دوم محرم / دوم دی دولت مجلس را منحل کرد. قوای نظامی و نیروهای بختیاری مجلس را اشغال کردند و پس از اخراج اجباری نمایندگان، درب مجلس را قفل کردند. از جریان این جلسه مجلس، هیچ‌گونه اثری در آرشیو مجلس وجود ندارد. ظاهراً چنین می‌نماید که ۵ نفر انتخاب شده مخالف اولتیماتوم بوده‌اند و دولت ناگزیر به انحلال مجلس شده است.^۲

تفسیر مکی با روایت‌های تاریخی سازگار نیست؛ زیرا نه در روزنامه‌ی مجلس و نه در صورت‌مذاکرات مجلس و نه در خاطرات نمایندگان مجلس دوم، به تشکیل جلسه‌ی مجلس پس از آخرین جلسه شب ۲۹ دی / ۲۹ ذیحجه اشاره نشده است. درعین حال، او

۱. فیروز کاظم‌زاده (۱۳۷۱)، *روس و انگلیس در ایران ۱۸۱۴-۱۹۱۴* پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انقلاب اسلامی، ص ۶۱۴-۶۱۳.

۲. علی مدرسی (۱۳۶۶)، *مدرس، تهران: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی*، ص یازده مقدمه.

به ترکیب اعضای کمیسیون اشاره نکرده است. به نظر می‌رسد وی در این موضوع تحت تأثیر روایت شاذ اردلان قرار دارد، که هدف از تشکیل کمیسیون را رد اولتیماتوم دانسته است. محمد ترکمان، از دیگر پژوهشگران تاریخ معاصر، در روزشمار زندگی مدرس ضمن تأیید عضویت مدرس در کمیسیون پنج نفره می‌نویسد: ثبت نشدن نام مدرس و چهار نماینده دیگر به عنوان اعضای کمیسیون در صورت مذاکرات مجلس، به علت عدم تشکیل جلسه علنی پس از استخراج آرای صندوق است.^۱ اما او به فرایند این انتخاب و ترکیب اعضا و زمان انتخابات و نشست‌های اعضای کمیسیون اشاره نکرده است.

به گمان نگارنده هیچ یک از این تحلیل‌ها، نمی‌توانند تناقض‌های موجود را حل کنند. از همین رو، تنها راه میانه، توسل به روایت دهخوارقانی از نمایندگان دموکرات مجلس است. او و سایر نمایندگان دموکرات مانند عزالمالک اردلان عاقدانه می‌کوشیدند، صدای واقعی مجلس را در هیاهوی جعل روایت‌های نادرست، به گوش ایرانیان برسانند؛ زیرا نمایندگان اعتدالی، هم خواهان پذیرش اولتیماتوم بودند و هم قصد داشتند ناصرالملک و صمصام-السلطنه را از این مخمصه برهانند. دهخوارقانی از مخالفان ثابت‌قدم اولتیماتوم، مفصل‌ترین و درعین حال دقیق‌ترین گزارش را درباره‌ی واپسین روزهای حیات مجلس دوم نگاشت که در رفع تناقض‌های جاری بسیار سودمند است. نگارنده یقین دارد که او خاطراتش را اساساً، با هدف تصحیح همین روایت رسمی و جعل شده‌ی کمیسیون پنج نفره نگاشته است؛ زیرا او با وجود دوره‌ی نمایندگی‌اش در مجلس دوم، عمدتاً به نگارش تفصیلی این رخداد بسنده کرده است و این خود یک اقدام آگاهانه و معناداری است که نمی‌توان به آسانی از کنار آن گذشت. او می‌نویسد: هنگامی که مجلس اولتیماتوم را رد کرد، ناصرالملک دو پیشنهاد به مجلس داد: یا درباره‌ی اولتیماتوم به دولت اختیار تام بدهید یا برای تشکیل یک کمیسیون رأی مخفی بگیرد. رئیس مجلس، برای اختبار و امتحان و استمزاج یک رأی‌گیری مخفی در اتاق تنفس به عمل آورد که با اکثریت ۴۲ رأی تصویب شد. وی پس از حصول اطمینان از این رأی‌گیری، در صحن علنی نیز رأی‌گیری کرد که به

۱. محمد ترکمان (۱۳۶۷)، مدرس در پنج دورهٔ تقنینیه، ج ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۵۵ مقدمه.

اکثریت ۳۶ رأی پذیرفته شد.^۱

این موضوع از سوی سایر منابع، از جمله علی محمد دولت آبادی، تهرانی کاتوزیان و نطق وثوق الدوله - که پیشتر به آن‌ها اشاره شد - پشتیبانی می‌شود. او می‌نویسد، رأی‌گیری در نیمه‌های شب انجام شد: «رئیس امر به انتخاب کمیسیون نموده و اجازه‌ی تنفس داد. نمایندگان از اتاق مجلس خارج شدند. آن‌هایی که بنای انتخاب کمیسیون داشتند، ورقه‌ی انتخابشان را در اتاق دیگر به هیأت مستخرجه دادند و در این اثنا، میان دو نفر از وطن-خواهان و یک نفر لاشخوران، نزاع واقع شد. اول، آن دو نفر را و بعد از اندک زمانی آن یک نفر را در محبس مجلس، حبس نمودند و بعد از این واقعات ذکر شده، رئیس مجلس نمایندگان را به مجلس عودت نداد و بعد از آن شب، دیگر مجلسی منعقد نگردید تا انتخاب کمیسیون مزبور اعلان شده و رسمیت بیابد».^۲

بنابراین، روایت دهخوارقانی درباره‌ی کمیسیون پنج نفره، می‌تواند جمع بین همه‌ی گزارش‌ها و راه‌حل همه‌ی تناقض‌های موجود باشد. در واقع، اگر اصل انتخاب اعضای کمیسیون را بپذیریم، پذیرفتنی‌ترین روایت همین است که با شواهد موجود سازگار است. گزارش او با واپسین فراز ثبت شده در صورت مذاکرات مجلس هم انطباق دارد؛ زیرا پیش از انتخاب اعضای کمیسیون، نمایندگان به تنفس فراخوانده شدند و عملاً مجلس تعطیل شد و از آن پس هرگز تشکیل جلسه نداد. دهخوارقانی در ادامه می‌نویسد: از قراری که شنیده شد اعضای انتخاب شده‌ی آن کمیسیون عبارت بودند از شیخ ابراهیم زنجانی که بدون تصویب شعبه‌ی پارلمانی دموکرات‌ها عضویت در کمیسیون را پذیرفت و از فرقه‌ی دموکرات خارج شد. سعیدالاطبا، سید حسن مدرس، فهیم‌الملک و پنجم آنها سید نصرالله یا میرزا محمدصادق طباطبائی یا کس دیگر.^۳

در روایت دهخوارقانی تنها درباره‌ی نفر پنجم، اختلاف نظر وجود دارد. کاتوزیان تهرانی و علی محمد دولت آبادی نفر پنجم را سردار اسعد معرفی کرده‌اند؛ اما دهخوارقانی

۱. رضا دهخوارقانی (۱۳۵۶)، وقایع ناصری و توضیح مرام، با مقدمه علی سیاهپوش، تهران: دنیا، ص ۱۰۶.

۲. همان، ص ۱۰۷.

۳. همان‌جا.

درباره‌ی هویت نفر پنجم، تردید کرده و از دو نفر نام برده است. نفر پنجم حتی اگر سردار اسعد باشد باز به اصالت و انسجام این روایت آسیب وارد نمی‌کند. نکته مهم که از سخنان دهخوارقانی برمی‌آید این است که در همین انتخاب نیم‌بند هم، همه‌ی نمایندگان شرکت نکردند و تشریفات رأی‌گیری به درستی به اجرا در نیامد و مجلس به شمارش آرای اعضای کمیسیون و معرفی آن‌ها اقدام نکرد. بنابراین محتمل است که دولت و ناصرالملک به بازخوانی آراء پرداخته و کمیسیون را شکل داده باشند و حتی با تقلب و تبانی و در غیاب مجلس ترکیب اعضا را به گونه‌ای انتخاب کرده باشند تا نظر آن‌ها درباره‌ی پذیرش اولتیماتوم تأمین شود. از آن‌جا که مجلس بسته شد، در نتیجه، انتخابات این کمیسیون هم ثبت نشد و در واقع، جاهت قانونی نداشت تا بعدها ثبت شود چنان‌که بعدها هم هرگز ثبت نشد. بنابراین، مجلس اعضای کمیسیون پنج نفره را انتخاب نکرد.

دهخوارقانی، گزارش عملکرد این کمیسیون را بعدها با پرس‌وجو از فهیم‌الملک، یکی از اعضای کمیسیون پنج نفره، نقل می‌کند و می‌نویسد به گفته فهیم‌الملک هنگامی که اعضای کمیسیون نزد ناصرالملک رفتند؛ وی با سخنان پراکنده آنان را سرگرم کرد و در پایان به ساعتش نگاه کرد و گفت تنها سه ربع به پایان ساعت اولتیماتوم وقت باقی است، باید عجله کرد و الا قوای روس به سوی پایتخت حرکت خواهند کرد. درست است که نمایندگان کمیسیون قصد داشتند نظر ناصرالملک را درباره‌ی اولتیماتوم بپذیرند؛ اما با عنایت به مخالفتی که مجلس از خود بروز داد، ناگزیر بودند، اسناد و مدارک مبادله شده با سفارت روسیه را مطالبه کنند تا با خیال آسوده‌تر بپذیرند؛ اما هنگامی که اسناد و مدارک را مطالبه کردند، ناصرالملک گفت دیگر دیر شده و نمی‌توان آن‌ها را بررسی کرد. بدین ترتیب، آن‌ها شرایط اولتیماتوم را پذیرفتند و آن را امضا نموده به سفیر روسیه دادند و سفیر گفت قشونی که قرار بود به سمت تهران حرکت کند، حرکت نخواهد کرد مگر آن که واقعه خاصی رخ دهد.^۱

نتیجه

از زمان طرح اولتیماتوم روسیه در ۷ آذر ۱۲۹۰ تا انحلال رسمی مجلس در ۲ دی ۱۲۹۰، مجلس چهار جلسه پیرامون اولتیماتوم تشکیل داد که در سه تای آن، به تفصیل درباره‌ی اولتیماتوم سخن رفت و یکی از آنها به پاس داشت تعزیه‌داری آخوند خراسانی تعطیل شد. اگر در اقدام مجلس و روایت‌های پیرامون آن تفکر کنیم، درمی‌یابیم که مجلس مقاومت و شجاعت شکوهمندانه‌ای از خود بروز داد؛ اما روایت‌های متفاوت و پرابهامی پیرامون واپسین اقدام مجلس، یعنی انتخاب اعضای کمیسیون پنج نفره، ارائه شده است که در این مقاله، کوشیدیم جنبه‌هایی از آن را نشان دهیم و با تشکیک در برخی از روایت‌های نادرست موجود، هم از عملکرد و مواضع مجلس دفاع کنیم و هم صحیح‌ترین روایت درباره‌ی عملکرد مجلس را بشناسانیم.

تردیدی نیست که هدف روسیه از این اولتیماتوم، پایان دادن به فعالیت مجلس و نظام مشروطه و چیرگی بر امور ایران بود. روسیه قدرت‌گیری و نقش‌آفرینی مجلس شورای ملی را منافی سیاست‌های خود می‌شمرد و خواهان فروکاستن جایگاه آن تا سرحد یک مجلس دولتی و فاقد اختیارات موثر و نظارتی بود، تا قرارداد ۱۹۰۷ را کاملاً به اجرا درآورد.

بنابراین در پاسخ به این پرسش، که چرا مجلس تا پایان، بر موضع مخالفت باقی ماند و از پذیرش اولتیماتوم سرباز زد و هرگز به‌طور مستقیم اعضای کمیسیون پنج نفره را انتخاب نکرد، می‌توان دلایل زیر را اقامه کرد: نخست، دفاع از کیان و استقلال کشور و ایستادگی بر این موضع، جهت برانگیختن دولت و ملت ایران و واداشتن روسیه به عقب‌نشینی بیشتر بود، یعنی همان راه حلی که در نشست ۹ آذر نتیجه‌ی مثبتی داد و روسیه را به تعدیل مواضعش واداشت. دوم، بی‌اعتمادی مجلس به‌ویژه نمایندگان دموکرات آن به شخص نایب‌السلطنه و دولت صمصام‌السلطنه بود، که تصور می‌کردند آنان در حال زد و بند با روسیه هستند و یا چنان که باید از منافع کشور دفاع نمی‌کنند. سوم، مخاطره‌آمیز بودن پذیرش اولتیماتوم، که ممکن بود یک ننگ ابدی را برای کشور رقم بزند و مجلس به عنوان نماینده ملت هرگز نمی‌خواست مسئولیت آن را به گردن بگیرد؛ لذا می‌کوشید به هر قیمتی

بازخوانی روایت تشکیل کمیسیون پنج نفره مجلس در واکنش به اولتیماتوم ... ۱۶۱

در برابر آن مقاومت کند. از این رو نگارنده براین باور است که حتی اگر نشست‌های مجلس ادامه می‌یافت، همچنان درباره ترکیب اعضای کمیسیون و صلاحیت آن‌ها مذاکرات مختلف و متعدد درمی‌گرفت و رسیدن به نتیجه را دشوار می‌ساخت و حتی ممکن بود مجلس را وادارد، نمایندگان تندرو و دموکرات را به عنوان عضو کمیسیون انتخاب کند که نتیجه‌ی آن مخالفت با اولتیماتوم بود. چهارم، مجلس به هیچ قیمتی نمی‌خواست اصلاحات مالیه ایران که با استخدام مورگان شوستر به نتایج رضایت‌بخشی رسیده بود، متوقف شود؛ زیرا بنیه‌ی اقتصادی کشور، پاشنه‌ی آشیل دولت مشروطه بود و با پذیرش اولتیماتوم آسیب می‌دید. پنجم، مجلسیان به‌درستی می‌دانستند که تشکیل کمیسیون یعنی رأی به پذیرش اولتیماتوم، لذا آنها می‌کوشیدند با هر سیاستی که منجر به پذیرش اولتیماتوم شود، مخالفت کنند.

به همین دلایل، نگارنده پس از بررسی دقیق مشروح مذاکرات مجلس پیرامون اولتیماتوم در روایت‌های موجود، تردید کرده و کوشیده است تا این موضوع را به گونه‌ای معقول و سازگار با واقعیات تبیین کند. لذا معتقد است، برخلاف آنچه گفته شده و به یک باور عمومی تبدیل شده است، مجلس هرگز به‌طور مستقیم در تعیین اعضای کمیسیون مشارکت نکرد و با توجه به مواضع و عملکردش نمی‌توانست به تعیین اعضای کمیسیونی که معنایش پذیرش اولتیماتوم باشد، تن دهد. بنابراین، تردیدی نیست که کمیسیون مورد اشاره‌ی منابع، به پیشنهاد دولت و شخص نایب‌السلطنه از میان نمایندگان اعتدالی هوادار دولت (یعنی همان نمایندگان که خواهان استعفا بودند تا مجلس از اکثریت بیافتد و دولت بتواند اولتیماتوم را بپذیرد) و یا از میان نمایندگان که از سوی رئیس مجلس مأمور شدند کابینه را پس از رد اولتیماتوم، به ادامه فعالیت وادارند، برگزیده شده‌اند. در همان حال، صمصام‌السلطنه و نایب‌السلطنه خبر تشکیل کمیسیون را انتشار دادند تا مجلس را در پذیرش اولتیماتوم، به گونه‌ای شریک جرم و همراه خود نشان دهند. بنابراین، حتی بعید نیست، کمیسیون پنج نفره در آستانه‌ی انحلال یا پس از انحلال مجلس شکل گرفته باشد.

منابع و مأخذ

- آوری، پیترا (۱۳۷۹)، *تاریخ معاصر ایران از تاسیس تا انقراض سلسله قاجاریه*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطائی.
- آفاری، زانت (۱۳۷۹)، *انقلاب مشروطیت ایران ۱۹۰۶-۱۹۱۱/۱۲۸۵-۱۲۹۰* ش، ترجمه رضا رضائی، تهران: بیستون.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۷۵)، *مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه*، تهران: تاریخ ایران.
- ادیب هروی، محمدحسن (۱۳۳۱)، *تاریخ پیدایش مشروطیت ایران*، مشهد: خراسان.
- اردلان، امان‌الله (۱۳۷۲)، *خاطرات حاج عزالممالک اردلان: زندگانی در دوران شش پادشاه*، به کوشش باقر عاقلی، تهران: نامک.
- افشار یزدی، محمود (۱۳۵۸)، *سیاست اروپا در ایران*، ترجمه ضیاءالدین دهشیری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- بشیری، احمد (به کوشش) (۱۳۶۳)، *کتاب آبی: گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس در باره انقلاب مشروطه ایران*، ج ۵، تهران: نو.
- بهار، محمدتقی (۱۳۵۷)، *تاریخ احزاب سیاسی*، تهران: امیرکبیر.
- ترکمان، محمد (۱۳۶۷)، *مدرس در پنج دوره تقنینیه*، ج ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- تنکابنی، محمدولی خان (۱۳۷۷)، *یادداشت‌های محمدولی خان تنکابنی (سپهسالار اعظم)*، به تصحیح اللهیار خلعتبری و فضل‌الله ایرجی کجوری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- دولت آبادی، علی محمد (۱۳۶۲)، *خاطرات سیدعلی محمد دولت آبادی*، تهران: فردوسی.
- _____ (۱۳۹۰)، *خاطرات و ملاحظات*، به کوشش ایرج افشار، تهران: سخن.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۳)، *حیات یحیی*، ج ۳، تهران: عطار و فردوسی.
- دهخوارقانی، رضا (۱۳۵۶) *وقایع ناصری و توضیح مرام*، با مقدمه علی سیاهپوش، تهران: دنیا.
- راثین، اسماعیل (۱۳۵۰)، *پیرم‌خان سردار*، تهران: زرین.
- سالور، قهرمان میرزا (عین السلطنه) (۱۳۷۷)، *خاطرات عین السلطنه*، ج ۵، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- شوستر، مورگان (۱۳۴۴)، *اختناق ایران*، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، به کوشش و تصحیح فرامرز برزگر و اسمعیل راثین، تهران: صفی‌علی‌شاه.
- کاتوزیان تهرانی، محمدعلی (۱۳۷۹)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، با مقدمه ناصر کاتوزیان، تهران: انتشار.
- کاظم زاده، فیروز (۱۳۷۱)، *روس و انگلیس در ایران ۱۸۱۴-۱۹۱۴* پژوهشی در باره امپریالیسم، ترجمه

بازخوانی روایت تشکیل کمیسیون پنج نفره مجلس در واکنش به اولتیماتوم ... ۱۶۳

منوچهر امیری، تهران: انقلاب اسلامی.

- کسروی، احمد (۱۳۷۱)، *تاریخ هیجده ساله آذربایجان*، تهران: امیرکبیر.

- مدرسی، علی، (۱۳۶۶)، *مدرس، تهران: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی*.

- مدیرحلاج، حسن (۱۳۱۲)، *تاریخ نهضت ایران*، تهران: سلیمی.

- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، ج ۲، تهران: زوار.

- مکی، حسین (۱۳۵۸)، *مدرس قهرمان آزادی*، ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- ملک زاده، مهدی (۱۳۷۱)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، ج ۷-۶، تهران: علمی.

- میرمحمد صادق، سعید (۱۳۸۰)، *گزیده اسناد اولتیماتوم روسیه به ایران*، تهران: وزارت امور خارجه.

- نوائی، عبدالحسین (۱۳۵۵)، *دولتهای ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم*، تهران: بابک.

- هدایت، مهدی قلی (۱۳۶۳ الف)، *طلوع مشروطیت*، به کوشش امیر اسماعیلی، تهران: جام.

- _____ (۱۳۶۳ ب)، *گزارش ایران: قاجاریه و مشروطیت*، تهران: نقره.

- یزدانی، سهراب (۱۳۸۸)، *مجاهدان مشروطه*، تهران: نی.

- یلفانی، رامین (۱۳۷۶)، *زندگانی سیاسی ناصرالملک*، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (۱۳۲۹)، *دوره دوم، جلسه‌های ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲*.

- روزنامه چهره‌نما، ش ۲۴، ۱۵ محرم ۱۳۳۰.

- روزنامه حبل‌المتین، س نوزدهم، ش ۲۶، ۱۷ محرم ۱۳۳۰.

- روزنامه حبل‌المتین، س نوزدهم، ش ۲۸، ۲ صفر ۱۳۳۰.

- روزنامه مجلس، ۱۲ ذیحجه ۱۳۲۹.

- روزنامه مجلس، ۶ محرم ۱۳۳۰.